

راهنمای مشاوران مسیحی
فصل شانزدهم

**Christian Counselors
Manual**

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی

پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه فصل شانزدهم کتاب "راهنمای مشاوران مسیحی" است. این کتاب کلاً شامل چهار فصل می باشد و انتشار تمام کتاب در این مکان امکان پذیر نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب از جنبه عملی کتاب مقدس بهرمنند بشوند تا کلیسای فارسی زبان عیسی مسیح نهایت فیض و رحمت خدا را به دست آورد.

ایمانداری که به مشاوره مسیحی مراجعه کرده در این کتاب "ایماندار" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور مسیحی" نامیده شده است.

شاهرخ صفوی

فصل شانزدهم حمایت، همدلی، و همدردی

طرز فکر های امروزه (مدرن)

در ردیف عقاید نادرستی که امروزه (مدرن) راجع به محبت رواج دارد، عقاید راجع به حمایت، همدلی، و همدردی را می توان نام برد. بخاطر چنین عقایدی است که مشاور مسیحی را عموماً حمایت کننده نیز می شمارند (خصوصاً در رابطه با اشخاصی که مسئله خطرناکی را دارند). اما با وجود آن که این عقیده عموماً رواج دارد، کاملاً عکس آنچه کلام خدا راجع به تغییر گفته می باشد. کلمه "حمایت" بگونه ای که روانشناسان و مشاوران غیر مسیحی استفاده می کنند با هیچ موردی در کلام خدا مطابقت نمی کند. بجای حمایت و پشتیبانی، ایماندارانی که مسئله و مشکلی را دارد را باید کمک کرد تا اساس مسئله خود را از دیدگاه کلام خدا بجوید و آنچه خدا در رابطه با آن گفته را بکار برد. حتی خواندن سطحی کلام خدا چنین حقیقتی را افشا می کند.

با این وجود، امروز همه نقش کشیش را حمایت کننده می بینند. اما طبق کلام خدا نقش کشیش و مشاور فراتر از حمایت می رود. حمایت به تنهایی کافی نیست. علاوه بر این باید با مفهوم حمایتی که جامعه روانشناسان رواج داده اند نیز مخالفت کرد. اگر منظور از حمایت تشویق شخص در اجرای کلام خدا باشد مانند دلداری و نظیر آن، اشکال ندارد و کلام خدا پر از آیاتی است که کشیش و مشاور می توانند استفاده کنند^(۱). اما امروزه نویسندگان کتاب های مشاوره چنین افکاری را رواج نداده اند. آنان عقیده دارند که حمایت فعالیتی را همراه ندارد و کشیش و مشاور لازم نیست دخالت کنند. آن ها یکدلی را با حضورشان نشان می دهند. نویسنده ای در کتابش می گوید:

بجای آنکه کشیش از خود بپرسد، "وقتی با موردی مواجه شدم چه به او "بگویم"، باید فکر کند چه "شخصی" برای او باشم^(۲).

در کتاب دیگری می نویسد:

منظور از حمایت این نیست که شخص را وادار کرد راجع به افکار و احساساتش صحبت کند، بلکه باید بگذاشت راجع به هر چه می خواهد صحبت کند. مشاور باید تنها گوش کند، بدون آن که احساسی را جلوه داده و یا احساسی را تعبیر نماید. با گوش دادن به شخص، خواهد توانست اهمیت خود را ثابت کند بدون آنکه نشان دهد با نظر او موافق هست یا نه^(۳).

در دایره المعارف روانشناسی، حمایت این گونه تشریح شده:

درمانی که منابع دفاعی موجود را تقویت می کند؛ آرام کردن اضطراب و پریشانی از طریق تکنیک های عملی زمیر آگاه^(۴).

Carroll A. Wise تأکید بر روش غیر فعالانه مشاور می کند، Furgeson نظرش تنها گوش دادن است، و دایره المعارف عکس العمل موجود شخص را تصویب می کند.

عقیده مخالف کلام خدا

کلام خدا هیچ نشانه ای از برابر بودن با آنچه نویسندگان مدرن امروزه راجع به حمایت می گویند نشان نمی دهد. در نتیجه می توان گفت که این اعتقادات مخالف کلام خدا است، و همچنین نتیجه گرفت که چنین پیشه ای نه تنها حمایت صحیح را نشان نمی دهد، بلکه نهایتاً روحیه و رفتار گناه آلود را تشویق و حمایت می کند. حتی داشتن اطلاعات سطحی از کلام خدا این مورد را نشان می دهد.

اولاً باید متذکر شد که مشاور مسیحی به هیچ عنوان نباید رفتار گناه آلود را حمایت کند(۵). اگر ایمانداري مسئله اش را مطابق با کلام خدا رسیدگی نکرده، آنچه احتیاج دارد حمایت از رفتار اشتباه او نیست (یا هیچ نوع رفتاری در مقابل آن)، بلکه کمک مشاوره مسیحی است. در جلسات مشاوره مسیحی، مشاور کلامی که اساس مسئله او را افشا می کند را بازگو کرده و ایماندار را با مهربانی به اجرای خواست خدا، که شامل توبه، ایمان، و بازسازی است هدایت می کند. حذف مشاوره مسیحی تغییری است که نتیجه اجرای کلام خدا می باشد. وقتی روح القدس کلامش را برکت رساند، ایماندار نه تنها از رسیدگی نادرست به مسائل و مشکلات زندگی روی گردان می شود، بلکه روی به خدا نیز می آورد. کاری که مشاور مسیحی می کند، هیچ اشاره ای از حمایت، همدردی، و یا یکدلی که مطابق راه این دنیا است نمی کند. به هیچ عنوان (حتی اگر ایماندار در ضعف کاملی بسر می برد) نباید "منابع دفاعی موجود" که مخالف با کلام خدا است را تقویت نمود.

دوم، حمایت مضر است چون نه تنها طریق اشتباه رسیدگی به مسائل و مشکلات را تصدیق می کند، بلکه رواج نیز می دهد. حمایت کردن این را اظهار می کند که راه حل بهتری از آنچه شخص دارای مسئله پیش گرفته وجود ندارد، با وجود آنکه مشخص است که موفق نخواهد شد. امکان دارد که به همین دلیل به مشاور مسیحی پناه آورده باشد. نتیجتاً در مجموع می توان گفت که حمایت کمک نمی کند. هیچ کمکی اراعه نشده، و در حقیقت حمایت بجای کمک داده شده است. مشاور مسیحی باید بشناسد که حمایت کردن بجای اراعه دادن کلام خدا، عیسی مسیح را منجی ناتوانی در مقابل مسائل و مشکلات زندگی معرفی می کند.

سوم، هیچ جای کلام خدا نشانه ای از خادمی که در مقابل مسائل و مشکلات مردم ساکت نشسته و کاری را انجام نداده دیده نمی شود. آیا می توان تصور کرد پولس و متی با سکوت خود برکتی را به کسی رسانده باشند؟

معلم مسیحی متوجه می شود شاگرد مدرسه ای هر روز با افسردگی و تلخ روئی به کلاس می آید. پس از گفت و گو معلوم می شود که زندگی خانوادگی او بسیار خراب است و در نتیجه تصمیم می گیرد روزانه به درد دل های او گوش بدهد و این گونه او را "حمایت" نماید. ولی گوش دادن معلم باعث تصدیق عکس العمل گناه آلود (افسردگی و تلخ روئی) شاگرد مدرسه می شود. در واقع معلم با این گونه رفتار به شاگرد می گوید: "من متأسفم ولی چاره ای جز گوش دادن به درد دل های تو وجود ندارد". حمایت از درد دل های او تصدیق (همه جانبه) موقعیت گناه آلود او را می کند.

از طرف دیگر معلم توجه نمی کند که با حمایت از او، امید بچه را از میان می برد. با وجود نیت خوبی که دارد، نادانی او از معنی کلام خدا باعث اضافه شدن ضعف های شاگردش می شود. آنچه این شاگرد مدرسه لازم دارد توجه به عکس العمل گناه آلودش در برابر آزار و اذیت خانواده است. او نیاز به نصیحت، توبیخ، و راهنمایی دارد، و نه همدلی و همدردی. طریق اهمیت دادن مشاور مسیحی استفاده از مسائل و مشکلات روزانه زندگی است تا ضعف های ناشی از گناه را از طریق

کلام خدا افشا کرده و راه تغییر و نجات خدا را فراهم آورد. شاید این شاگرد مدرسه نمی تواند رفتار خانواده خود را نسبت به خود تغییر دهد، اما می تواند در خود تغییر اساسی ایجاد نماید. تغییر عکس العمل های آینده او نسبت به بد رفتاری های خانواده نیز ممکن است رفتار خانواده را تغییر بدهد. توبه این شاگرد مدرسه امکان عملکرد روح القدس را در او ایجاد می کند و عکس العمل های مسیحی را در او پرورش می دهد. هر گونه کمک جز این نمی تواند مسیحی باشد.

حمایت مضر است

حمایت از جانب کسانی که با کلام خدا آشنائی ندارند، آسیب آوراست، چون مخالف با خدا است. حمایت نایمندی را بنا می سازد و مشاور را ناتوان اعلام می کند. پیامی که ابراز می شود این است: "مسئله شما راه حل ندارد، اما من شما را دوست دارم و با شما در غم و اندوه شریک خواهم شد". این گونه حمایت از جانب مشاور مسیحی باید غیر ممکن بوده باشد. به عنوان نمونه آیات زیر را در نظر بگیرید:

اول قرنیتان ۱۰ (۶)

۱۳: هیچ آزمایشی بر شما نمی آید که مناسب بشر نباشد. و خدا امین است؛ او اجازه نمی دهد بیش از توان خود آزموده شوید، بلکه به وقت آزمایش، راه گریزی نیز فراهم می سازد تا تاب تحملش را داشته باشید.

دوم تیموتاوس ۳

۱۷: تا مرد خدا به کمال برای هر کار نیکو تجهیز گردد.

دوم پطرس ۱

۳: قدرت الهی او هر آنچه را برای حیات و دینداری نیاز داریم بر ما ارزانی داشته است. این از طریق شناخت او میسر شده که ما را به واسطه جلال و نیکویی خویش فراخوانده است.

این آیات بطور واضح نشان می دهند که خدا ایماندار به مسیح را در دسترس منابع کمک و راهنمایی می گذارد. خدا از طریق کلام و روح القدس کمک کافی را برای کسانی که به او ایمان دارند فراهم ساخته تا "هر آنچه را برای حیات و دینداری نیاز داریم بر ما ارزانی" دارد تا بتوانیم با تمام شرایط زندگی روبرو شویم. نتیجتاً، اگر ایمانداري مطابق با خواست خدا رفتار نمی کند، مسئولیت آن بر خود او است. ایماندار نمی توان خدا یا شرایط زندگی را مقصر بدانند. در نتیجه می بینیم که حمایت خلاف کلام خدا است و وعده و قدرت او را انکار می کند.

همدلی و همدردی

آیا همدلی و همدردی دلسوزی را نمی رساند؟ خیر. هیچ کس نمی تواند با کسی همدلی کند بدون آنکه مسئله و یا مشکل او را درک کرده باشد. ایستادن کنار شخصی که متحمل درد و رنج می باشد یک چیز است (همدلی)، و آستین را بالا زدن و کاری را برایش انجام دادن چیز دیگر. اگر

اتوموبیل کسی خراب شد، و اتوموبیل او را حول داده به مکانیک برسانید همدلی بهتر را با او کرده اید تا کلماتی چون "احساس" و "شریک گرفتاری" را بیان کنید(۷). در واقع وقتی عملی را برای او انجام می دهید، احتیاجی به حرف زدن ندارید چون او خود خواهد دانست که به او اهمیت می دهید. در جلسات مشاوره نیز این گونه است. محبت در کلام خدا بگونه ای که دیده ایم، فعال است نه منفعل(۸). حرف هایی چون "من اهمیت می دهم" برای مشاوره که وقت و کوشش خود را در مسیری می گذارد تا ریشه مسئله ایماندار را در کلام جویا شده و راه حل آن را برایش پیدا کند، ضروری نیست. یاری کسی که کنار می ایستد و تنها از طریق صحبت همدلی خود را ابراز می کند مشکوک بنظر می رسد. یعقوب در این زمینه چنین می گوید:

یعقوب ۲

۱۵: اگر برادر یا خواهری نیازمند پوشاک و خوراک روزانه باشد
۱۶: و کسی از شما بدیشان گوید: «بروید به سلامت، و گرم و سیر شوید»، اما برای رفع نیازهای جسمی ایشان کاری انجام ندهد، چه سود؟
۲۰: ای نادان، می خواهی بدانی چرا ایمان بدون عمل بی ثمر است؟ (تأکید از من است)

در مشاوره مسیحی، عمل است (کوشش در انجام خواست خدا) که کار را اینجام می رساند. خدا با عمل خود محبتش را ثابت کرد. داستان سامری نیکو این موضوع را واضح نشان می دهد:

لوقا ۱۰

۳۳: اما مسافری سامری چون بدانجا رسید و آن مرد را دید، دلش بر حال او سوخت.
۳۴: پس نزد او رفت و بر زخمهایش شراب ریخت و روغن مالید و آنها را بست. سپس او را بر الاغ خود گذاشت و به کاروانسرای برد و از او پرستاری کرد.
۳۵: روز بعد، دو دینار به صاحب کاروانسرا داد و گفت: "از این مرد پرستاری کن و اگر بیش از این خرج کردی، چون برگردم به تو خواهم داد."
۳۶: حال به نظر تو کدامیک از این سه تن، همسایه مردی بود که به دست راهزنان افتاد؟
۳۷: پاسخ داد: «آن که به او ترحم کرد.» عیسی به او گفت: «برو و تو نیز چنین کن.»

راه حل کلام خدا برای مسائل و مشکلات زندگی، تغییر است، و هیچ حذفی کمتر از آن قابل قبول نمی باشد. به چنین موضوعی است که در فصل بعد خواهیم پرداخت.

فهرست زیر نویس های فصل شانزدهم

- (۱) با در نظر گرفتن جنبهٔ عقلانی "حمایت و پشتیبانی"، می توان گفت که نه تنها فعال می باشند بلکه هدایت کننده نیز هستند. تشویق و آسایش شخص ممکن است شامل تعلیم، چالش، و حتی سرزنش نیز باشد (اول تسالونیکیان ۴: ۱۳ و ۱۸؛ عبرانیان ۱۰: ۲۴ و ۲۵؛ ۱۲: ۱۲ و ۱۳). مشاور مسیحی می تواند ایمانداری را که در حال رسیدگی به مسئلهٔ خود از طریق کلام خدا است را حمایت کند، اما هیچ وقت نباید قصور در این راه را، چه در گذشته و یا حال حمایت کند. حمایت خدا فعال است، نه غیر فعال: "خداوند جمیع افتادگان را تأیید می کند و خم شدگان را بر می خیزاند" (مزمور ۱۴۵: ۱۴).
- (۲) کتاب The Meaning of Pastoral Care نوشتهٔ Carroll A. Wise.
- (۳) کتاب Casebook in Pastoral Counseling نوشتهٔ Carroll A. Wise.
- (۴) کتاب The Encyclopedia of Human Behavior نوشتهٔ Robert M. Goldenson در اینجا حمایت "توافق" (اجماع، پذیرش) با عکس العمل موجود است.
- (۵) خلاف تصور عمومی روانشناسان "پذیرش" را به گونه ای تشریح می کنند که برابر با قبول کردن رفتار گناه آلود است. Hans H. Strupp در کتابی به نام "Psychotherapy: Clinical, Research & Theoretical Issues" می گوید: "روحیهٔ روانشناس باید "مؤدب، مقبول، بدون ارزیابی، بدون محکوم کردن، بدون انتقاد . . . باشد" (صفحهٔ ۳۸).
- (۶) برای بحث بیشتر از این آیه به کتاب "مسیح و مشکلات شما" رجوع کنید. این کتاب به زبان فارسی ترجمه شده و در (www.moshaver.info) قسمت کتاب ها می توانید بخوانید.
- (۷) همدلی تنها زمانی ایجاد می شود که شما وارد مسئلهٔ شخص دیگر می شوید و در واقع مسئلهٔ او مسئلهٔ شما می شود. "تنها دل از تلخی خویش آگاه است، نیز هیچ بیگانه در شادی آن شریک نیست" (امثال ۱۴: ۱۰).
- (۸) بطور مثال آیاتی چون "«زیرا خدا جهان را آنقدر محبت کرد که پسر یگانهٔ خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاویدان یابد» (یوحنا ۳: ۱۶)؛ "با مسیح بر صلیب شده‌ام، و دیگر من نیستم که زندگی می‌کنم، بلکه مسیح است که در من زندگی می‌کند؛ و این زندگی که اکنون در جسم می‌کنم، با ایمان به پسر خداست که مرا محبت کرد و جان خود را به‌خاطر من داد." (غلاطیان ۲: ۲۰)؛ "ای شوهران، زنان خود را محبت کنید، آن‌گونه که مسیح نیز کلیسا را محبت کرد و جان خویش را فدای آن نمود،" (افسیسیان ۵: ۲۵)؛ "آرزویم همواره این بوده است که در جایی بشارت دهم که مسیح شناخته نشده، تا بر بنیادی که دیگری نهاده است، بنا گذاشته باشم،" (رومیان ۱۵: ۲۰).